

چه شد که اخراج شدم؟

بهرام امیری

سرشناسه	: آمیری، بهرام ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور	: چه شد که اخراج شدم؟ / بهرام آمیری
مشخصات نشر	: تهران: آمه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۷۸ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۲-۵۰-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: نگاهی به کنش‌ها و واکنش‌های موقعیتی افراد در سازمان
موضوع	: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: رفتار سازمانی - داستان
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ج ۹ / م ۹۴۳ / PIR۸۳۳۴
رده‌بندی دیوید	: ۸۱۳ / ۶۲
رده‌بندی ملی	: ۳۵۱۳۲۴۶

انتشارات آمه

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ :ن ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

چه شد که اخراج شدم؟

• مؤلف: بهرام آمیری

• ناشر: آمه

• خدمات نشر: واحد فنی سبزان

۸۸۳۴۸۹۹۱-۸۸۳۱۹۵۵۷

• توبت چاپ: اول - ۱۳۹۳

• تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

• قیمت: ۶۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت‌های کتاب www.iiketab.com

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۲-۵۰-۷ ISBN 978-600-6242-50-7

اکنون که مجله نخستین کتاب در ذهن من شکل گرفته است حدود بیست و دو سال از اولین روزی که خود را در کار تمام می‌گذرد در این سال‌ها مشاغل زیادی را تجربه کرده‌ام و چند بار شمشیر بی‌رحم اخراج را بالای سر خود دیده‌ام و کاملاً با حس میهم و ناگوار ناکارآمدی آشنا شده‌ام در این سال‌ها در سطوح مختلف شغلی از کارگری گرفته تا مسئولیت‌های متنوع شغلی و هم‌زمان در سطوح مختلف تربیتی، همیشه احساس قرار گرفتن در لیست اخراج را به گونه‌های مختلف تجربه کرده‌ام از زمانی که با درآمد هفته‌ای ۳۵۰۰ ریال و سپس درآمد ماهیانه ۲۰۰۰۰ ریال با هر ماه اجاره می‌کن ماهانه ۱۵۰۰۰ ریال زندگی می‌کردم تا امروز که حساب دقیقی از حقوق دریافتی خود دارم و اجاره‌ای نیز پرداخت نمی‌کنم همواره آماده شنیدن آوای ناخوش‌آیند "شما اخراج هستید" بوده‌ام.

اگر در نوجوانی اخراج ناخوش‌آیند به نظر می‌رسید شاید کمتر به ترس از فقیر شدن بود و اندک اندک ترس از فقیر شدن جای خود را به ترس از شکست و طرد شدن داد و امروز که نگاه می‌کنم می‌بینم وسوسه یک شروع عالی مجدد جای خود را به ترس از اخراج داده است. در این سال‌ها یاد گرفتم که می‌توان با یک تغییر کوچک در عملکرد و تلاش خود هرچه زودتر به مسیر اصلی برگشت و یا با به کارگیری همه استعدادهای خداوند این اعتقاد راسخ دست پیدا کرد که اخراج نه تنها چیز بدی نیست بلکه حتی گاهی لازم است اخراج شویم تا شروع مجدد را هرچه زودتر بیاموزیم و به درجه‌ای برسیم که نه ترسی از طرد شدن داشته باشیم نه احساس ناامیدکننده فقیر شدن بر روان ما حکمفرما شود.

ما همواره برای موفق شدن و برای فرار از وضعیت موجود، خود را به آب و آتش می‌زنیم

و خود را به رودخانه موج و خروشان عمل می‌سپاریم و وقتی به موفقیت اولیه دست پیدا کردیم این بار برای قرار از شکست و به دلیل ترس از دست دادن موفقیت اولیه کلا از آب فرار می‌کنیم. چاره کار این است که وقتی دل به دریا زدیم، در اولین گام شنا کردن در آب را بیاموزیم چون دیر یا زود باید برای موفقیت بیشتر در رودخانه‌ای دیگر و البته شاید موج‌تر از گذشته قدم بگذاریم.

اولین بار که از کار اخراج شدم تنها نوزده سال داشتم و به صورت یک کارگر ساده در یک کارگاه سه نفره با درآمدی ناچیز کار می‌کردم. در آن زمان به دلیل عدم توانایی کارفرمایم در پرداخت حق بیمه و فشار سازمان بیمه به کارفرمایان برای بیمه اجباری کارکنان، منهد شدم در صورت مراجعه بازرس بیمه خود را مخفی کنم. پس از گذشت سه ماه از شروع کار به دلیل حضور غافلگیرانه بازرس بیمه نتوانستم این کار را به خوبی انجام دهم بنابراین اخراج شدم.

بار دوم بعد از پنج سال که در یک شرکت تولیدی به عنوان مسئول بیمه کارکنان مشغول به کار بودم به دلیل اختلاف به وجود آمده میان من و مدیر مستقیم خود، کاری که نباید را انجام دادم یعنی به مدیران سازمان سکس‌وایف کردم و به مدیران چه اتفاقی افتاد.

و اکنون که در حال نگارش این کتاب هستم یک سال از استعفایم (شما بخوانید اخراج) از شرکتی که در آن به عنوان مدیر امور مالی و منابع انسانی کار می‌کردم می‌گذرد در طول این یک سال به کار دیگری مشغولم و همزمان به عنوان مشاور مدیریت در یک شرکت بیمه نیز فعالیت می‌کنم و در یک سال گذشته من سه زن را به مدیران خود استعفا دادم که به نگارش در آورده‌ام. حال وقتی به گذشته نگاه می‌کنم تنها به یک دلیل می‌توانم ترس از شکست ده سال عمر خود را در جا زده‌ام. دلم می‌خواهد نتیجه خواندن این کتاب برای کسانی که آن را می‌خوانند این باشد که علاوه بر یادگیری رفتار سازمانی با رویکرد روانشناسانه آن، یاد بگیرند که برای شروع مجدد هیچ وقت دیر نیست و برای شروع مجدد در زندگی کاری.

میرزا...